

## خبر

## داریو فو نویسنده

## برنده نوبل ادبیات درگذشت

**بخش فرهنگی** – داریو فو نمایشنامه‌نویس

برنده جایزه نوبل، کارگردان، طراح صحنه و بازیگر ایتالیایی درگذشت.

به گزارش خبرنگارانین، او که بیشتر برای نمایشنامه‌های طنز سیاسی خود مانند «سرگ تصادفی یک آنارشیست» شناخته می‌شد، سال ۱۹۹۷ جایزه نوبل ادبیات برد.

فو پس از ۱۲ روز بستری بودن در بیمارستان در ۹۰ سالگی درگذشت. رسانه‌های ایتالیا خبر درگذشت او را مخابره کردند.

متیو رنزی نخست‌وزیر ایتالیا که خود در تیررس نوشته‌های تند و تیز فو بود، درگذشت این نویسنده را تسلیت گفت. در پیام تسلیت او آمده است: «با رفتن داریو فو، ایتالیا یکی از بزرگ‌ترین قهرمانان عرصه تئاتر، فرهنگ و زندگی اجتماعی خود را از دست داد. کمدی تلخش، پژوهش‌هایش و آثارش در طراحی صحنه به عنوان میراثی از ایتالیای بزرگ در جهان باقی می‌ماند.»

فو و همسرش فرانکا ریم با نوشتن نمایشنامه و اجرای آن در تئاتر، رادیو و تلویزیون علاوه بر تسخیر قلب و ذهن مردم عادی، رهبران سیاسی را با دیالوگ‌های هوشمندانه به باد انتقاد می گرفتند.

این نویسنده با طنز شورشی خود جایگاهی ویژه در فرهنگ عامه داشت اما اغلب به دلیل همین طنز از سوی اهالی قدرت تحت فشار قرار می گرفت.

«حساب پرداخت نمیشه»، «اسرار کمدی»، «همه دزدها که دزد نیستند»، «جسد‌های پستی» و «سرگ تصادفی یک آنارشیست» از جمله مشهورترین آثار این نمایشنامه‌نویس به شمار می‌روند.

●●●●●

## اسکار به ارمنستان اجازه داد

## نماینده دیگری معرفی کند

**بخش فرهنگی** – آکادمی اسکار اعلام کرد به

ارمنستان اجازه داده تا به دلیل پذیرفته نشدن فیلم این کشور از سوی آکادمی در بخش اسکار خارجی زبان، نماینده دیگری برای این بخش معرفی شود.

به گزارش هالیوود ریپورتر، آکادمی اسکار که از پذیرش نماینده ارمنستان برای بخش خارجی زبان سر باز زده بود و این فیلم را در فهرست ۸۵ فیلم پذیرفته شده برای اسکار جای نداد، اکنون اعلام کرده ارمنستان اجازه دارد تا به جای «زلزله» فیلم دیگری را برای اسکار خارجی زبان معرفی کند.

سخنگوی آکادمی اسکار با گفتن این‌که کمیته «زلزله» را نپذیرفت چون برآورده کننده خواست‌های کمیته نبود، افزود به ارمنستان اجازه داده شده تا فیلم دیگری را به عنوان نماینده خود به کمیته معرفی کند. گفته شده مشکل آکادمی با این فیلم این بود که در آن از روسی‌ها بیش از حد استفاده شده بود و شمار افراد ارمنی حاضر در این فیلم خیلی به نسبت افراد روس کم بود.

سخنگوی مارس میدیا کمپانی تهیه کننده فیلم «زلزله» گفت آکادمی به همین دلیل «زلزله» را نپذیرفت و این کمپانی به آکادمی اعلام کرد که فیلم «زلزله» محصولی مشترک بین ارمنستان و روسیه بوده است.

رابین ریشدیشیان رییس مارس میدیا نیز افزود که آنها اسنادی مبتنی بر همکاری مشترک بین دو کشور برای آکادمی فرستاده‌اند و امیدوار هستند که این استدلال مورد توجه آکادمی واقع شود. به گفته وی، این اسناد ثابت می‌کند ۹۰ درصد تولید فیلم توسط ارمنیانی از ارمنستان، روسیه و فرانسه انجام شده است.

«زلزله» فیلمی است که با بودجه سه میلیون دلاری ساخته شده و ساریک آندرسیان کارگردان آن بوده است. این فیلم واکنش به یکی از مخرب‌ترین فاجعه‌های طبیعی در دوره اتحاد جماهیر شوروی را تصویر کرده که دسامبر سال ۱۹۸۸ در شمال ارمنستان به وقوع پیوست.

این فیلم پنجمین فیلمی است که ارمنستان از زمانی که در سال ۱۹۹۱ به استقلال رسید، تاکنون برای بخش بهترین فیلم خارجی زبان به آکادمی اسکار معرفی کرده است. هیچ یک از فیلم‌های قبلی از جمله «حتی اگر یک نفر» ساخته ناتالیا بلوسکین و «پاییز شش‌ده‌باز» ساخته روبین گورکیانتس به عنوان نامزد برای کسب جایزه اسکار خارجی زبان به فهرست اولیه اسکار راه نیافتند. آکادمی فیلم‌های معرفی شده از سوی افغانستان و تونس را نیز نپذیرفته و هنوز خبری درباره این دو فیلم منتشر نشده است.

# {فرهنگ و هنر}

**نقدی بر کتاب «خانم بوف کور»**، مجموعه غزل های مراد قلی پور

# همنشینی با خانم بوف کور



**محسن آریاپاد**

غزل‌ها، بر محور همستگی زنجیره آوایی و موسیقایی کارآمدی پدید آمدند.

غنامندی تاکتیک و مهارت شاعر ، فدای تکنیک های کهنه و از رده خارج و نظام های دست و پاگیر دستوری و واژه های مهجور و تاریخ منقضی و نماد های تکراری کسل کننده و سرسپردگی بر قید و شرط (جریان مدار) منسوخ ، که عارض شمار زیادی از شاعران گذشته و حال ست؛ نشد.

موسیقی داخلی و کناری غزل ها وظیفه ی پیام رسانی به ذهنیت پذیرندگان را آسان تر و بی تکلف تر انجام می دهند

به گواهی متون غزل های مندرج در مجموعه ، ویژگی های یاد شده ، از شعر آغزین تا قطعه ی پایانی مجموعه ، سازگار با تلیفِک روپکردهای (کارکردگرایی) و (روندگرایی) و وابستگی های (تاریخمندی) ، بسیار برجسته و حس انگیزند، همه‌ی غزل‌ها مردف اند.

بررسی و نگرش های منتقدانه ی دوره ای آگاهان و نظرمدنان فعال در گستره ی نقد بر غزل های فارسی، از دربیزا تاکنون، نشان می دهد که غزل های مردف، بیشتر از غزل های مقفی، مخاطب‌پذیر و تأثیرگذارند

نخستین غزل کتاب (صص، ۶ ، ۷) به نمای دلیل نوشته های بالا درج می شود:

خود به خود می افتد آدم ، تور لازم نیست که

این همه چاله برای کور لازم نیست که

کار بیهوده ست دل بستن به عمق خمره‌ها

تا تو هستی مستی انگور لازم نیست که

تا عمل می بارد از لب های کندوبی تو

دست توی لانه ی زنبور لازم نیست که

"سوتت دارم" همین یک جمله را گفتم فقط

لعنتی ، دنبال من مامور لازم نیست که

دست در دست یکی دیگر ، چه تقدیری ست این؟!

مصلحت این ست شاید ، زور لازم نیست که

لطف کن خاموش کن مادر چراغ خانه را

شوق تاریکی ست در من نور لازم نیست که!

انسجام خوشه‌های کلام ، غزل های خانم بوف کور" را با برجسته سازی مفاهیم و ساختار پذیرنده ، آنچنان چسبیده نموده که میل دوباره یا چند باره خوانی هر کدام را ، در خوانندگان شعرشناس جاری می سازد

رونمایی های تاریخی هویت مند ، نشان می دهد که غزل ، پدیده ای فراژنوده است و با گذشت زمان بیشتر از دیگر قالب های شعری متحول می شود. نقش اساسی این تحول هم ، بیشتر وامدار جوهرِ (درون مایه ، یا مضمون ، Theme ) است.

عصیر درون مایه ، همان درونی ترین نیروی شکل دهنده ی اثر و به عبارتی ذات فکری و ادراکی شاعراست که نطفه ی اثر در توانش خودآگاه یا ناخودآگاه اش، کیفیت یابی می کند.

هستی فراژونده ی شعر ، تحت تأثیر دگرگونی های زمانی ، به درون مایه اش می افزایشد و دیده ایم که غزل چگونه در آدوار پیشین ، تغییر شکل و ماهیت، و به تبع آن ، تغییر مضمون با درون مایه داده است. حداقل از دو دهه ی گذشته تا کنون ، تنه و پوستاره ی غزل ایران، افزون بردرگونی بنیادین که در ( زیرساخت ) و هسته اش داشته ، و فرم تازه ای از قالب معنا محور در انداموگرایی اش گرفته ؛ (روساخت اش) را هم آراسته به گستره ی (سلامت زبان) نموده و بسیار پذیرفتنی تر شده و در هر دو حوزه ی لفظ و معنا به خوبی می درخشد.

توجه رشدش این ست که هیچ لزوم و دلیلی وجود ندارد که در سرایش غزل از واژه های کهنه وخسته کننده و کلمات شکسته شده ی متظاهر در اسلوب قدیم زبان و نوشتار ، بهره جویی و پیچیده آفرینی شود.

با بازیابی کوتاهی در خورچین پربارخانم بوف کور" ، خیلی زود می‌توان متوجه شد که محتوایِ روپاز آن ، کالایِ واژد ندارد به خوانندگان اش رشوه نمی‌دهد، جنس اش از کهنگی و فرسایش (پیام رسانی) پرهیز می‌کند، خواستارانش را نمی‌ترساند.آفت‌گریزی

# {فرهنگ و هنر}

**نقدی بر کتاب «خانم بوف کور»**، مجموعه غزل های مراد قلی پور



شناسنامه ی شعر فارسی ست؛ پایمال کردند و آفرینه های شان

به روشنی ، رسانای اینست که باری بجز انبوه تقلید و محاکات ندارد و هیچ نشانه ای از فروزش های فرا زمانی و فرا مکانی بر شانه‌ی شان نیست.

نمونه ای از ابتکارات تاکتیکی نگاه به گذشته وحال و آینده ی برآمده از سازه ی حسی و فکری قلی پور شاعر را در غزل (صص) ، ۴۲ ، ۴۳ ) بخوانید و با نمونه های پس مانده که هنوز به صورت فله ای سروده می شوند مقایسه کنید :

با مصلحت حتی نشد؛ با زور خوشبختیم

ما هم برای خود بین این جور خوشبختیم

ما پیروان اولِ حزب عسل کندو –

از آشنایی با شما در عمقِ تاریکی –

از آشنایی با شما در عمقِ تاریکی –

اقا و یا خانوم بوف کور خوشبختیم

وقت سفر از دور شد از این که صیادان

همراهمان هستند در این تور ؛ خوشبختیم

دستانِ تان این روزها با چیدن ؛ اما ما

با دیدن هر دانه ی انگور خوشبختیم

بخش بزرگی از دلِ خود را برش دادیم

ما عاقلانِ خود به خود سانسور ، خوشبختیم

منظورتان از این که خوشبختیم یعنی چه !؟

ما که نفهمیدیم و بی منظور خوشبختیم

در باره‌ی غزل های این مجموعه که به روز است و در ویرانه ی (شعری) زندگی نمی کند ؛ می توان به طور مستقل برای هرکدام در حد محتوای همین نگرش ، نوشت که چه میزان پراگماتیسم خیزاننده دارد و مفید است. با رعایت گنجایش این صفحه ، بسنده می‌کنم به این که :

(زیست جهان) شعری قلی پور شاعر و منقد، پهنه ی پرکنششی ست که همزیسته های فراوان دارد و با توانایی پردازش های شاعرانه ، و فرجه ی آفرینشگر در گستره ی بازشناسی و مناسب سازی های بازنمایانه ؛ به ( عین‌های پدیدار محور در حوزه ی زیبایی شناسی (جریان مدار) ، تبلور گفتار می‌بخشد ارجاع به غزل (صص، ۶۸ ، ۶۹ )، شاید نمونه‌ی تصدیق باشد:

ریشه از آتش نادانی ایلی می سوخت

داشت در طایفه احساس اصیلی می سوخت

دشت در حسرت جنگل شدن خود عمری

دود می کرد و بی‌هیچ دلیلی می سوخت

مست کرد ابرهه از دور تماشا می کرد

کعبه از شرم پرستیدن فیلی می سوخت

کومتر از قبل نمی شد به خدا بی‌تعال

از سرآغاز ادرگ رست عقیلی می سوخت

کشتی حامل نفت از وسط قدس گذشت

شرق می دید و همانند فیسیلی می سوخت

یک نفر گفت که باید به خیابان بزнім

خواب دیده ست در آتش که خلیلی می سوخت .

در این زمانی ی پرعطش و بی سر وسامان شعری که انبوه انبوه از نمونه های تکراری ، پریشان نمایی می کنند؛ همنشینی با خانم بوف کور خنکای چسبیده ای ست که دروازه ی امید می

گشاید.

# آن‌ها که نوبل گرفتن‌شان حاشیه‌ساز شد

نظر توجهیی برای این جهت‌گیری‌های جغرافیایی است.

آمارها نشان می‌دهد: نویسندگان فرانسوی با ۱۶ بار کسب نوبل ادبیات، پیشتاز بلانزاع هستند. پس از فرانسه، آمریکا (۱۱) انگلستان با ۱۰ جایزه نوبل رتبه‌های دوم و سوم را در دست دارند.

آلمان (۸)، سوئد (۸)، ایتالیا (۶)، اسپانیا (۵)، لهستان (۴)، ایرلند (۴) و شوروی سابق (۴) دیگر کشورهایی هستند که به دفعات جایزه نوبل ادبیات را کسب کرده‌اند. این در حالی است که قاره پهناور آسیا تنها در چهار دوره که دو بار آن توسط ژاپن در سال‌های ۱۹۶۸ و ۱۹۴۴، یک بار آن توسط «رایبزنرانتا تاگور» هندی در سال ۱۹۱۳ و بار دیگر توسط «هو یان» رمان‌نویس چینی در سال ۲۰۱۲ بود، این افتخار را کسب کرده است.

از دیگر اتفاق‌های حاشیه‌ساز نوبل ادبیات، معرفی «لفرید بیلنک» به عنوان برنده سال ۲۰۰۴ این جایزه بود. وقتی نام این رمان و نمایشنامه‌نویس اتریشی اعلام شد، «کورت آتلوند» از عضویت آکادمی نوبل استعفا کرد و گفت: انتخاب «بیلنک» ضربه غیر قابل جبرانی به اعتبار این جایزه وارد کرد.

همچنین وقتی جایزه سال ۱۹۹۷ را به «داریو فو» نویسنده ایتالیایی که روز پنج‌شنبه (۲۲ مهرماه) فوت کرد، دادند برخی منتقدان با «سبک‌وزن» خواندن او، این انتخاب را زیر سوال بردند. او پیش از نویسنده شدن، در حرفه بازیگری شهرت داشت و کارهایش از سوی کلیسای کاتولیک سانسور می‌شد. «داریو فو» نویسنده نمایشنامه «مرگ ناگهانی یک آنارشیست» در سن ۹۰ سالگی و پس از تحمل طولانی مدت بیماری ربوی درگذشت.

یکی دیگر از نادرترین رویدادهای مراسم اعطای این جایزه، انتخاب نویسنده‌ای مرده به عنوان برنده است. اعضای آکادمی نوبل تنها یک‌بار در سال ۱۹۳۱ نام «اریک آکسل کارلفلدت» فقید را به عنوان برنده اعلام کردند. البته آکادمی سوئد بعدها در سال ۱۹۷۴ با این نتیجه رسید که دیگر هیچ نویسنده‌ای را پس از مرگ به عنوان برنده معرفی نکنند مگر آن که او بعد از اعلام نتایج درگذشته باشد.

شنبه ۲۴ مهر ماه ۱۳۹۵

## خبر

## جایزه نوبل ادبیات

## به باب دیلن رسید

**بخش فرهنگی** – باب دیلن، خواننده، آهنگساز، شاعر، و نویسنده آمریکایی، برنده جایزه نوبل ادبیات شد.



به گزارش خبرگزاری خبرنگارانین، فرهنگستان سوئد پنج‌شنبه ۲۲ مهر (۱۳ اکتبر) باب دیلن را به عنوان برنده جایزه نوبل ادبیات سال ۲۰۱۶ معرفی کرد.

هاروکی موراکامی، نویسنده مشهور کشور ژاپن، نگوگی و تاونگو از کنیا، فیلیپ راث، رمان‌نویس آمریکایی، جویس کرول اوتس، نویسنده پرکار آمریکایی و آدوینس، شاعر سرشناس اهل سوریه از شانس‌های دریافت جایزه نوبل ادبیات بودند.

از سال ۱۹۰۱ به این سو، هر سال جایزه نوبل ادبیات بنا به وصیت آلفرد نوبل به خالق برجسته‌ترین اثر با گرایش آرمان‌خواهانه اهدا می‌شود. البته در کلام آلفرد نوبل منظور از اثر، مجموع آثار یک نویسنده است. هر سال آکادمی سوئدی تصمیم می‌گیرد که این جایزه به چه فردی اهدا شود. هر سال آکادمی نام برنده این جایزه را اوایل ماه اکتبر اعلام می‌کند. این جایزه همراه با جوایز نوبل شیمی، فیزیک، پزشکی و صلح سال ۱۸۹۵ بنا به وصیت آلفرد نوبل پایه‌گذاری شد.

سوتلانا الکسیویچ نویسنده اهل بلاروس سال گذشته جایزه نوبل ادبیات را از آن خود کرد. پاتریک مودیانو و الیس منرو دیگر برندگان این جایزه در سال‌های پیش از آن بودند.

●●●●●

## واکنش‌های متفاوت

## به انتخاب برنده نوبل ادبیات

**بخش فرهنگی** – نوبل ادبیات ۲۰۱۶ به «باب دیلن» موسیقی‌دان و ترانه‌سرا تعلق گرفت؛ این انتخاب واکنش‌های متفاوتی را در میان چهره‌های مشهور حوزه‌های مختلف در پی داشت.

به گزارش ایسنا، نوبل ادبیات ۲۰۱۶ که نصیب یک خواننده و ترانه‌سرا شده واکنش‌هایی کاملاً متضاد را در پی داشته؛ بعضی «باب دیلن» را ملکشعرای نسل خود خوانده و از صمیم قلب به او تبریک گفته‌اند و برخی دیگر با ضعیف دانستن انتخاب آکادمی سوئدی، به سال بعد و برنده نوبل بعدی امید بستند.

«میک جَکِر»، «باراک اوباما» و «جویس کرول اوتس» از دنیای موسیقی، سیاست و ادبیات برخی چهره‌هایی هستند که تا این لحظه نسبت به اعطای نوبل ادبیات به «باب دیلن» خواننده و ترانه‌سرا واکنش نشان داده‌اند.

«میک جگر» خواننده و ترانه‌سرای مشهور و باسابقه گروه انگلیسی «رولینگ استونز» در توئیتر خود نوشت: تبریک به «باب دیلن»

برای کسب جایزه نوبل. چه دستاوردی!

«باراک اوباما» رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا نیز از طریق توئیتر پیام تبریک خود را این‌گونه اعلام کرد: به «باب دیلن» یکی از شاعران مورد علاقم‌ها به خاطر کسب نوبلی که شایستگی‌اش را داشت، تبریک می‌گویم. اما به نظر می‌رسد همه از انتخاب این آکادمی نوبل راضی نیستند؛ همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد امسال نارضایتی بیشتر در میان نویسندگان به چشم می‌خورد. «برویون ولش» داستان‌نویس اسکاتلندی که کتاب «قطاربازی» او بسیار معروف است و فیلم اقتباسی آن هم ساخته شده، در این‌باره با لحنی کنایه‌آمیز توئیت کرده: اگر شما از هواداران موسیقی هستید، این کلمه را در فرهنگ لغت پیدا کنید. بعد به دنبال کلمه ادبیات بگردید، حالا این دور را با هم مقایسه کنید.

«هاری کوئزرو» داستان‌نویس و روزنامه‌نگار هندی – انگلیسی واکنش تندتری به این قضیه داشته و نوشته است: از زمانی که به «اوباما» به خاطر «بوش» نبودن جایزه دادند، این ضعیف‌ترین جایزه نوبل بود. اما «صلاح‌الدین احمد» نویسنده عرب – آمریکایی از زاویه دیگری به این اتفاق نگاه و اعتراض کرده که چرا «باب دیلن» باید اولین موسیقی‌دانی باشد که نوبل می‌گیرد. او گفته: خدا می‌داند چندین ترانه‌سرای دیگر در زبان‌های دیگر پیش از او می‌توانستند این جایزه را بگیرند.

«جویس کرول اوتس» داستان‌نویس سرشناس آمریکایی است که کتاب‌های «سیاه‌اب»، «بلوند» و «آن‌ها» او شهرت فراوانی دارد. با این که نام «اوتس» چند سال است به عنوان شانس کسب نوبل ادبیات بر سر زبان‌ها می‌افتد و او را از رقیب‌های «دیلن» برای کسب نوبل می‌دانستند، این نویسنده انتخاب آکادمی سوئدی را «هوشمندانه» خوانده است.

این رمان‌نویس سرشناس که نام یکی از کتاب‌هایش شباهت زیادی به یکی از ترانه‌های «دیلن» دارد، درباره تعلق گرفتن نوبل ادبیات ۲۰۱۶ به یک ترانه‌سرا گفت: بسیاری از ما تحت تأثیر موسیقی دهه ۱۹۶۰ «دیلن» بوده‌ایم، مخصوصاً مونولوگ‌ها و ترانه‌های قوی و دراماتیک او. من فکر می‌کنم این جایزه چند سال است که منتظر «دیلن» را می‌کشد. او شاید یک دهه است که به طور جدی از نامزدهای این جایزه سواد، بنابراین این انتخاب خیلی هم غافلگیرکننده نبود. «اوتس» ادامه داد: با این حال اگر این جایزه به اعضای باقی‌مانده از گروه «بیتلز» – که موسیقی‌شان هم‌اندازه یا بیشتر از کارهای «دیلن» مهم است – تعلق می‌گرفت، انتخاب آکادمی همین‌قدر هوشمندانه و هیجان‌انگیز می‌شد.

این نویسنده زن در پایان اظهار کرد: ما امیدواریم «باب دیلن» از فرصت استفاده کند و حرفی سیاسی بزند. در این اوضاع آشفته که خود هموکراسی هم آسیب‌پذیر شده، مهم است که هنرمندان شفاف و رک حرف بزنند. سکوت در شرایط کنونی که مثلاً کمپین «زندگی بیسرها اهمیت دارد» راه افتاده، خیلی غم‌انگیز و طاقت‌فرسا شده… هر گره اگر «باب دیلن» بخواهد غیرسیاسی باشد، مسلماً او را درک می‌کنم.